

## شعر باران

خوشا آنان که الله یارشان بسی به حمد و قُل هُوَ اللهُ کارشان بسی

خوش به حال آن‌هایی که خداوند یاریگر آن‌هاست و همیشه در حال ذکر خدا هستند.

خوشا آنان که دانم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بسی

خوش به حال کسانی که پیوسته در حال نماز خواندن هستند و آن بهشت جایگاه همیشگی‌شان است.

خداوندا به فریاد دلم رس کس بی کس تویی، من مانده بی کس

خدایا به داد دل من برس زیرا تو پناه همه بی‌پناهان هستی و من تنهایم.

همه گویند طاهر کس نداره خدا یار من چه حاجت کس

همه می‌گویند طاهر (شاعر) کس را ندارد ولی خداوند یار من است و با وجود او به کس نیاز ندارم.

ای نام تو روییده به گلستان لبم در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم

ای کسی که نام و یاد تو همیشه بر لبان و زانم است و لب من دائم نام تو را می‌گوید و در دریای لطف و بخشش

تو روز و شب شناور هستم.

در خاک طلب، بذر دعا کاشته‌ام باران اجابت تو را می‌طلبم

من در خاک آرزوهایم دانه‌ی دعا و حاجت کاشته‌ام و منتظر باران پاسخ تو هستم، تا بر خاک طلب (نیازمندی‌های

من) بیارد و سبز شود.

اگر آن سبز قامت، رو نماید در باغ خدا را می‌کشاید

اگر امام زمان (عج) چهره‌اش را نمایان کند، دروازه‌ی بهشت خداوند بر روی ما باز می‌شود.

تم را فرس کردم تا بتازد دلم را نذر کردم تا بیاید

من برای آمدن امام زمان بدنم را فرس کرده‌ام (آمادگی دارم) که وقتی ایشان بیایند تم (جسم) را در راهشان

فدا کنم و دل خود را نذر کرده‌ام تا ایشان ظهور کنند.





واژه‌های ساده و غیرساده

★ واژه‌ی ساده: به واژه‌ای گفته می‌شود که از یک جزء، ساخته شده باشد.

مثال: شاگرد، وطن، بزرگ



★ واژه‌ی غیرساده: به واژه‌ای گفته می‌شود که از دو یا چند جزء، ساخته شده باشد.

مثال: لغت‌نامه ← لغت + نامه



توجه: واژه‌های غیرساده خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) همه‌ی اجزای آن معنی دار هستند. (اسم مرکب)

مثال: دعوت‌نامه ← دعوت + نامه



بیهوش ← بی + هوش

مهربان ← مهر + بان

ب) یک جزء معنی دار و یک یا چند جزء بی‌معنی دارد. (اسم مشتق)

مثال: نستی ← سست + ی



جزء بی‌معنی

با ارزش ← با + آرز (ارزیدن) + ش

جزء بی‌معنی      جزء بی‌معنی

پ) دو یا چند جزء معنی دار و یک یا چند جزء بی‌معنی دارد. (اسم مشتق مرکب)

مثال: جمع‌آوری ← جمع + آور + ی



جزء بی‌معنی

داروندار ← دار + و + ن + دار

اجزای بی‌معنی

اگر به واژه‌ای نشانه‌ی جمع، افزوده شده باشد، برای تشخیص ساده و غیرساده بودن آن، ابتدا نشانه‌ی جمع را حذف می‌کنیم.

سال ~~خ~~ سال ← ساده (که اگر ها، را برداریم سال، واژه ساده است).



نکته



محمد دلش برای کوچ‌های سرقند تنگ می‌شد. این نخستین سفر طولانی او بود. در تمام شهرهای سر راه، پدرش را تقریباً همه می‌شناختند. هر دانشمندی که خبر آمدن آن‌ها را می‌شنید، به کاروان سرا می‌آمد. محمد با دانشندان زیادی آشنا شده بود. او نام عطار را قبلاً شنیده بود. چند بیت از شعرهایش را قبلاً از پدر شنیده و حفظ کرده بود. عطار، محمد را نزد خود صدا زد و پرسید: «از دانش چه خواندی و با خود چه داری؟» محمد گفت: «جز اندکی نمی‌دانم و حرفی ندارم که بگویم» شیخ لبخندی زد و گفت: «همی ما جز اندکی نمی‌دانیم.» عطار نسخه‌ای از کتاب «اسرارنامه»ی خود را به محمد داد و به پدرش گفت: «او آینده‌ی درخشانی خواهد داشت.»

### درخت علم

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم این درخت علم باشد ای علیم

پیرمرد خندید و گفت: ای انسان ناقص‌العقل، منظور از رحمت، علم و دانش است (در اینجا سلیم و علیم در معنی مخالفش به کار رفته است و نشانه‌ی تمسخر است).

توبه صورت رفته‌ای، ای بی‌خبر! زان ز شاخ معنی‌ای، بی‌بار و بر

ای انسان نادان و بی‌توجه، توبه ظاهر سخن توجه کرده‌ای و به این خاطر از معنی و درک واقعی آن بی‌نصیب مانده‌ای.

که درختش نام شد گاه آفتاب گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب

علم را گاهی به درخت و به آفتاب و گاهی به دریا و ابر تشبیه کرده‌اند.

آن یکی کیش صد هزار آثار خاست کمترین آثار او، عمر بقاست

علم به تنهایی فایده و آثار بسیار دارد و کمترین نتیجه و فایده‌اش جاودانگی و بقاست. (اشاره به حدیث) «دانشندان تا آن زمان که دنیا برجاست، با نامشان باقی خواهند ماند.»





### قالب‌های شعری

در شعرهای سنتی (کلاسیک) - که از مصراع و بیت، تشکیل می‌شوند - طرز و شکل قرار گرفتن قافیه‌ها، قالب و نوع شعر را تعیین می‌کند.  
قالبِ غزل

شعری است که معمولاً ۶ تا ۱۴ بیت داشته و قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع‌های زوج آن یکسان است. غزل در موضوعات عاشقانه، عرفانی، اجتماعی و سیاسی سروده می‌شود. حافظ، سعدی و مولانا از بزرگترین شاعران غزل‌سرا هستند.

### مثال:



وان مواعید که کردی مَرّواد از یادت	ساقیا آمدن عید مبارک بادت
برگرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت	در شگفتم که در این مدّت ایام فراق
که دم و همت ما کرد ز بند آزادت	برسان بندگی دختر رزگو به در آی
جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت	شادی مجلسیان در قدم و مقدم توست
بوستان سمن و سرو و گل و شمشادت	شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت

(حافظ)

بیت اول غزل را «مطلع» و بیت آخر را «تخلص» و بهترین بیت آن را «شاه بیت» می‌گویند.



### قالب قصیده

طرز قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب قصیده همانند غزل است. تعداد بیت‌های آن معمولاً ۱۵ تا ۷۰ و گاهی تا ۸۰ می‌رسد. موضوعات این شعر، معمولاً ستایش (حمد و ثنا)، پند و نصیحت، وصف و مسائل اجتماعی می‌باشد. سعدی، خاقانی، انوری، مسعود سعد سلمان، منوچهری و ... از شاعران بزرگ قصیده سرا هستند.

### قالب مثنوی

شعری است که همه‌ی ابیات آن دارای یک وزن بوده و هر بیت آن، قافیه‌ای جداگانه دارد. از این قالب برای سرودن اشعار طولانی استفاده می‌شود؛ زیرا شاعر می‌تواند در هر بیت، قافیه را تغییر دهد و دچار کمبود کلمات هم‌قافیه نمی‌شود. «شاهنامه‌ی فردوسی»، «پنج‌گنج» نظامی و «بوستان» سعدی در قالب مثنوی سروده شده‌اند. در موضوعات اخلاقی، حماسی، اجتماعی، عاشقانه و عرفانی سروده می‌شود و معمولاً به صورت داستان بیان شده است که دارای ابیات زیادی نیز هست.



مثال: 

که سرمایه‌ی جاودانی است کار  
به فرزندگان، چون همی خواست خفت  
که گنجی ز پیشینیان اندر اوست  
پژوهیدن و یافتن با شماست  
همه جای آن، زیر و بالا کنید  
بگیرید از آن گنج، هر جا سراغ  
به کاویدن دشت بردند رنج  
همه اینجا، هم آنجا و هر جا که بود  
زهر تخم برخاست هفتاد تخم  
چنان چون پدر گفت شد گنجشان  
(ملک الشعراء بهار)

برو کار می‌کس مگو چیست کار  
نگر تا که دهقان دانا چه گفت  
که میراث خود را بدارید دوست  
من آن را ندانستم اندر کجاست  
چو شد مهر مه کشتگه برکنید  
نمانید نا کنده جایی ز باغ  
پدر مُرد و پوران به اُمید گنج  
به گاو آهن و بیل کنند زود  
قضا را در آن سال از آن خوب شخم  
شد گنج پیدا ولی رنجشان

معروف‌ترین مثنوی سُرّایان بزرگ ایرانی رودکی، نظامی، مولوی، سعدی، عطار، جامی و ... می‌باشند.

قالب قطعه

شعری است که فقط مصراع‌های زوج آن هم قافیه بوده و تعداد ابیات آن حداقل ۲ بیت است. قطعه در موضوعات اخلاقی، اجتماعی و بند و نصیحت سروده می‌شود. از میان شاعران معاصر، پروین اعتصامی، در این قالب، اشعار زیادی سروده است.

مثال: 


صبحدم از چشم یتیمی چکید  
گاه در افتاد و زمانی دوید  
گاه نهان گشت و گهی شد پدید  
سُرخ نگینی به سر راه دید  
گفت، مرا با تو چه گفت و شنید  
من ز آزل پاک و تو پست و پلید  
(پروین اعتصامی)

آن نشنیدید که یک قطره اشک  
بُرد بسی رنج و نشیب فراز  
گاه درخشید و گهی تیره ماند  
عاقبت افتاد به دامن خاک  
گفت: که ای، پیشه و نام تو چیست؟  
من گهر ناب و تو یک قطره آب

### قالب رباعی (چهارتایی)

شعری است در دو بیت که در مصراع سوم آن، معمولاً، قافیه دیده نمی‌شود.


رباعی با کلمه‌ای آغاز می‌شود که بخش اول آن کلمه، صدایی بلند یا کشیده است. خیام از مشهورترین شاعران رباعی سرای ایرانی است.

**مثال:**  ای کاش که جای آرمیدن بودی  
یا این ره دور را رسیدن بودی  
کاش از پس صد هزار سال از دل خاک  
چون سبزه امید بر دمیدن بودی  
(خیام)

### قالب دو بیتی

شعری است که همانند رباعی از دو بیت تشکیل می‌شود و قافیه‌های آن نیز، مانند رباعی است و در موضوعات عاشقانه و عرفانی سروده می‌شود.

دو بیتی با واژه‌ای شروع می‌شود که بخش اول آن کلمه، یک صدای کوتاه است. بابا طاهر از معروفترین شاعران دو بیتی سرای ایرانی است.

**مثال:**  به صحرا بنگرم صحرا ته وینم  
به دریا بنگرم دریا ته وینم  
به هر جا بنگرم گوه و درو دشت  
نشان روی زیبای ته وینم  
(بابا طاهر)

### شعر نو یا نیمایی

شعری است که مصراع‌های آن کوتاه و بلند می‌شوند و همانند شعر سنتی، طول مصراع‌ها در آن، یک اندازه نیست. این شعر، دارای وزن و آهنگ بوده و قافیه در آن جای مشخصی ندارد؛ بلکه هر جا که شاعر بخواهد می‌تواند قافیه بیاورد.

شعر نو با موضوعات اجتماعی، سیاسی، عشق و درونیات فرد سروده می‌شود. بنیان‌گذار شعر نو یا نیمایی، نیما یوشیج (علی اسفندیاری) است.

**مثال:**  من چهره‌ام گرفته  
من قایم نشسته به خشکی  
با قایم نشسته به خشکی  
فریاد می‌زنم:  
«وامانده در عذابم انداخته است  
در راه پر مخافت این ساحل خراب  
و فاصله است آب  
امدادی ای رفیقان با من»

(نیما یوشیج)